

رعایت کند و بساط جلوی مغازه‌اش را جمع کند که هیچ کس هم این کار را نخواهد کرد چون مشتری را از دست می‌دهد. در بازار همه عادت کرده‌ایم که قانونی نه، ولی عرفی با هم کنار بیاییم.»

پیرمرد از اختلاف طولانی با همسایه خود می‌گوید که به همین دلیل هیچ‌وقت به نتیجه نرسیده‌اند: «من چند سال است با مغازه کناری خود دعوا دارم که چرا اجناس خود را روی‌روی مغازه من می‌گذاری اما می‌دانم این دعوها هیچ‌وقت به نتیجه نخواهد رسید. زمانی که مالک اینجارا می‌فروخت از صاحب جدید مغازه امضا گرفته شد که حق ندارد اجناس خود را بیرون بگذارد اما هیچ فایده‌ای نداشته است. من می‌دانم اگر از مغازه کناری خود شکایت کنم بقیه مغازه‌ها که دوست و آشنای من هستند هم باید اجناس خود را جمع کنند برای همین شکایت نمی‌کنم. حتی وقتی رئیس حراست شهرداری برای بازدید آمده بود و گفت از مشکلاتتان بگوئید من هیچ حرفی درباره اختلاف با مغازه بغلی نزنم چون در نهایت دود آن به چشم همه پاساژ می‌رود.»

به اومی گویم همین مشکلات و گرفتاری‌های ریز و درشت است که مسئولان را ناچار کرده به فکر انتقال بازار بیفتند اما پیرمرد به شوخی گفت: «مسئولان مملکتی از ما عوارض و مالیات می‌گیرند و از این مبلغ خوش‌شان می‌آید برای همین وعده انتقال بازار را می‌دهند که ما هم خوش‌مان بیباید اما نمی‌دانند که ما خوش‌مان نمی‌آید چون می‌دانیم حتی اگر بخوایند به این وعده عمل کنندبه بدترین شکل ممکن آن را انجام خواهند داد چون واقعاً نمی‌توانند. مگر ساختمان پلاسکو نبود؟ دیدید که کسبه آن تا چند سال سرگردان بودند، شهرداری وقتی وارد این پروسه شود خواهد فهمید که اصولاً انتقال بازار نشدنی است.»

▼ مالکانی که از آتش استقبال می‌کنند

اما با این حال نمی‌توان از خطرزا بودن مکان‌های شلوغ بازار مخصوصاً بازاری که پر از کاغذ است به‌راحتی گذشت. البته کتاب‌فروش مهربان می‌گوید ما همه کپسول آتش‌نشانی داریم و هر پاساژ باید امکانات امجا داشته باشد. هر سال نیز این کپسول‌ها شارژ می‌شود. تا وقتی بازاری‌ها در مغازه خود باشند خیلی آتش‌سوزی شدیدی رخ نخواهد داد چون خود کسبه سریع کمک می‌کنند تا گسترش پیدا نکند اما اگر آتش‌سوزی در شب اتفاق بیفتد قابل کنترل نیست؛ مانند آتش‌سوزی‌های سیزه‌میدان که هر بار رخ داده همه چیز از بین رفته است.

این حرف‌ها را یکی از آتش‌نشان‌های قدیمی بازار نیز تایید می‌کند. او که گمنامی را ترجیح می‌داد، مانند بقیه آتش‌نشان‌ها از روی مرام و معرفت بود که روی من را زمین‌نینداخت و از مشکلات بازار گفت. او گفت، بازار دو ایستگاه آتش‌نشانی دارد که در مواقع اضطراری پنج ایستگاه دیگر نیز به کمک می‌آیند اما اعتقاد داشت که مشکلات بازار تمامی نداشته و نخواهد داشت: «من ۲۳ سال پیش وارد آتش‌نشانی بازار شدم و چند سال بعد به ایستگاه دیگری رفتم و به‌تازگی دوباره به این ایستگاه برگشتم اما می‌توانم به جرأت بگویم که از ۲۳ سال پیش تا الان هیچ اتفاقی رخ ننداده و بازار تغییری از نظر ایمنی نکرده است.»

او خاطره جالبی از یکی از رؤسای ایستگاه آتش‌نشانی بازار دارد: «وقتی وارد آتش‌نشانی بازار شدم رئیسی داشتیم که می‌گفت من بالکن و سقف حلبی و قدیمی یکی از سراها را بر خواهم داشت تا ماشین آتش‌نشانی به راحتی بتواند در آنجا تردد کند، او رفت، چند رئیس دیگر نیز آمدند و رفتند اما من وقتی بعد از سال‌ها به بازار برگشتم، دیدم هنوز آن بالکن و سقف سر جای خود است، این یعنی حتی آتش‌نشانی که وظیفه ایمنی را بر عهده دارد، توان جابه‌جایی یک سقف قدیمی را ندارد اما مسئولان از جابه‌جایی کل بازار می‌گویند که به شوخی شبیه است.»

آتش‌نشان بازار تهران می‌گوید، از نظر استانداردهای ایمنی این بازار فقط ۵ درصد ایمنی دارد و ۹۵ درصد با حتی استانداردهای کشور خودمان نیز فاصله دارد، چه برسد به استانداردهای جهانی. او البته می‌گوید: «برخی مکان‌ها در بازار است که ایمنی خوبی دارند، مثلاً پاساژهایی که تازه‌ساز هستند یا بازارهای طلا به دلیل اینکه تمکن مالی بهتری نسبت به دیگر قسمت‌های بازار دارند، ایمنی مغازه و پاساژهای خود را بالا برده‌اند.»

او از چهره دیگر بازار نیز به ما می‌گوید: «از دیگر مشکلات ما رفت‌وآمد ماشین‌ها هستند. مردم معمولاً روزها بازار را می‌بینند که پر از جمعیت است اما از حدود پنج عصر که مغازه‌ها بسته می‌شوند چهره بازار تغییر می‌کند و رفت‌وآمد ماشین‌ها، وانت‌ها و موتور‌ها شروع می‌شود که بار جابه‌جایی باکس و همین باعث می‌شود در هنگام حادثه حرکت در مسیرهای بازار به سختی اتفاق بیفتد. ضمن اینکه مشکلات فقط اینها نیست، گیر کردن افراد در آسانسورها و حتی پیدا شدن مار در مغازه‌های قدیمی و فروریخت چاه از معضلات گاه به گاه بازار تهران است که آتش‌سوزی را نیز باید به آن اضافه کرد.»

ایمن آتش‌نشان، برق و قدیمی بودن سیم‌کشی‌ها را از مشکلات همیشگی و خطر‌زای بازار می‌داند که باعث آتش‌سوزی‌های زیادی می‌شوند. اومی گوید: «تغییرات مهمی در مغازه‌ها از نظر مصرف برق رخ داده است، شما فکر می‌کنید یک مغازه برقی زیادی نیاز ندارد اما به اندازه یک واحد مسکونی و حتی بیشتر برق مصرف می‌کند؛ از کامپیوتر، یخچال، کولر گازی و تلویزیون گرفته تا دوربین مداربسته، دزدگیر و حتی پلی استیشن در یک مغازه هشت متری استفاده می‌شود و این در حالی است که سیم‌کشی اکثر آنها برای چهل تا پنجاه سال پیش است و توان تحمل چنین برقی را ندارند. این را هم در نظر داشته باشید که اداره برق کنترل جدید نیز نمی‌دهد و همین باعث شده فشار زیادی بر روی کابل‌های برقی باشد.

نکته دیگر اینکه خیلی از سیم‌کشی‌های قدیمی بازار از رو کشیده شده است و گاهی در انبارهای غیراستاندارد کارت‌ها و



عبدالله اسفندیار

▼ عضو هیئت امنای بازار بزرگ تهران:

در دو سال اخیر

جلساتی با مسئولان

در خصوص مسائل

ایمنی و امنیتی بازار

داشته‌ایم. مسئولان

امر از جمله فرماندار

و استاندار تهران تا

حتی وزارت کشور

و مسئولان سیاه

ثارالله و مسئولان

ایمنی و امنیتی در

جلسات حضور

دارند و نظرات خود

را گفتند. به این

موضوع دقت کنید

که وقتی حدود ۲

هزار بساط گستر

در بازار حضور پیدا

می‌کنند باید این

مشکل را با خرد

جمعی حل کرد

و آنها را به جای

دیگر منتقل کرد

اما آیا برای آن

مکانی آماده شده

است؟ در مورد

مشکلات سد معبر

نیز مسئولان آن

مشخص هستند

البته وضعیت

بساط‌گستری

کاهش پیدا کرده

اما کافی نیست

اجناس را دقیقاً کنار آنها می‌گذارند که احتمال آتش‌سوزی را بالا می‌برد. بارها نیز در این مورد به صاحبان ملک تذکر داده‌ایم اما یا آنقدر متمول هستند که سوختن یک انبار که نزدیک به چندصد میلیارد سرمایه در آن خوابیده برایشان مهم نیست و یا می‌گویند از خدا می‌خواهند که مغازه یا انبار آتش بگیرد چون معمولاً سرفقلی آنجا برای فرد دیگری است و با یک آتش‌سوزی کل مغازه یا انبار تخریب می‌شود و فقط زمین آن می‌ماند و اینگونه صاحب ملک از دست سرفقلی راحت می‌شود و حتی می‌تواند بروی خرابه آن یک پاساژ احداث کند.»

اما باید قبول کنیم که با ایمن شدن قسمتی از بازار، مشکلات آن تمام نمی‌شود، بازار در موقعیت جغرافیایی حساسی قرار دارد و در کنار آن مکان‌های مهمی مانند کاخ دادگستری، کاخ گلستان و ساختمان رادیو وجود دارند که از نظر ایمنی همدیگر را تحت تاثیر قرار داده‌اند؛ این همان چیزی است که مامور آتش‌نشانی نیز به آن اشاره کرد و گفت: «بازار تهران هزار صاحب دارد؛ مثل اداره اوقاف، شهرداری، سازمان میراث فرهنگی و... که برای هر کاری باید نظر موافق همه آنان را گرفت که کار ایمن‌سازی را برای ماسخت می‌کند.»

▼ از جیره و حاجی‌بازاری خبری نیست

در این میان گویا شهرداری تهران واقعی‌تر به داستان و مشکلات بازار نگاه می‌کند و از ساماندهی آن گفته است نه انتقال بازار. عبدالله اسفندیار، عضو هیئت امنای بازار بزرگ تهران نیز در گفت‌وگوبا «هم‌میهن» از همین زاویه به‌موضوع نگاه کرده و می‌گوید: «مطلبی که شهردار تهران درباره ساماندهی بازار تهران گفت را من بایک مضمون دیگر می‌گویم؛ اولاً روزانه یک‌ونیم میلیون تردد در پیک کاری بازار وجود دارد که در نزدیکی عبدنوروز به چهار میلیون تردد در روز نیز می‌رسد. آیا به نظر شما و با این حجم از تردد امکان جابه‌جایی وجود دارد؟ اگر شهردار تهران و برخی مسئولین در برخی مقاطع مسائلی را مطرح می‌کنند صرفاً به دلیل مسائل امنیتی مانند آتش‌سوزی و فرسودگی ابنیه و تنگی معابر و... است که همین باعث می‌شود برخی مسئولان بنا را بر جابه‌جایی بگذارند ولی نه توان و امکان آن را دارند و نه سیاست کلی بر این است که این جابه‌جایی رخ دهد.»

او که رئیس اتحادیه صنف خرازی‌ها است، مسئله تغییر مکان بازار را به دلیل شغل‌های خطرزا و وجود کالاهای اشتعال‌زا و یا تولید برخی کالاها که باید به شهرک‌های صنعتی منتقل شوند، می‌داند و می‌گوید: «چند هزار میلیارد سرمایه و سرفقلی در بازار وجود دارد، چه پتانسیل اقتصادی وجود دارد که اتفاقاً در همه سرمایه‌را جابه‌جا کند؟ اساساً جابه‌جایی معنا ندارد و اتفاقاً در همه کشورهای جهان سعی می‌کنند مراکز قدیمی را بازسازی، احیا و نگهداری کنند. ما که نمی‌توانیم بازار را از بین ببریم بلکه باید بازار تهران را به‌عنوان میراث پیشینیان از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اعتقادی حفظ کنیم نه آنکه صورت مسئله را پاک کنیم و به فکر جابه‌جایی آن باشیم. چنین امکانی وجود ندارد و اینگونه تصمیمات باید منوط به خرد جمعی باشد. تصمیمات کلانی که باید مسئولین دبیرط مختلف درباره آن نظر دهند و این امر به‌راحتی شدنی نیست.»

این نکته نیز مطرح است که وقتی بازار با مشکلات عدیده مواجه شده یعنی هیئت امنا به‌درستی نتوانسته بازار را مدیریت کند و کار آن قدر سخت شده که صحبت از نقل مکان آن به میان آمده است، اما اسفندیار می‌گوید اصولاً هیئت امنا هیچ نقش اجرایی ندارد و ادامه می‌دهد: «هیئت امنانه می‌تواند تنگی معابر را تعریض، نه می‌تواند سیم‌کشی را تعویض و نه می‌تواند فرسودگی لوله‌های آب را تعمیر کند. هر کدام از اینها متولیان خاص خودشان را دارند و سیاستگذاری را متولیان امر انجام می‌دهند. مثلاً دستفروشی یکی از معضلات بازار است، مگر من به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره قدرت اجرایی دارم که بساط‌گستران را جمع کنم؟ همه کسبه از آنها ناراضی هستند چون مالیات و عوارض می‌دهند و سرمایه‌های میلیاردی آنها در مغازه مانده اما روی‌روی مغازه آنها بساط‌گستری می‌شود. وظیفه شهرداری است که اینها را جمع کند.»

او سازمان میراث فرهنگی و اداره اوقاف را از جمله نهادهایی می‌داند که در امور بازار نقش دارند و عنوان می‌کند: «به لحاظ قدمتی که بازار دارد، سازمان میراث فرهنگی خیلی از ساختمان‌های بازار را ابنیه تاریخی محسوب کرده و اگر قرار باشد گوشه‌ای از بازار را تعمیر یا بازسازی کنیم، این سازمان مخالفت می‌کند، یا نزدیک به ۲۵ هزار مغازه در بازار وجود دارد که صاحبان ملک آنها اوقاف هستند که برای تعمیرات هر کدام از آنها اداره اوقاف باید نظر دهد، برای نوسازی نیز باید شهرداری نظر دهد و خیلی ادارات دیگر. اگر برای کسبه این امکان وجود داشته باشد بازار را ترمیم و به روز خواهند کرد. هم‌اکنون نیز می‌بینید که در بازار، پاساژهای بزرگ و استانداردی ساخته شده چون توانسته‌اند مجوز بگیرند.»

ماجرای بالکن و سقف حلبی که مامور آتش‌نشان برای من تعریف کرده بود را برای آقای اسفندیار می‌گویم و او نیز ابعاد دیگری از مشکلات را مطرح می‌کند: «البته تصور اکثریت مردم از بازار درست نیست. هنوز خیلی‌ها فکر می‌کنند بازار متشکل از چند حجره و حاجی‌بازاری است اما اتفاقاً بسیاری از افرادی که در بازار کار می‌کنند، حداقل مدرک لیسانس دارند و مغازه آنها مدرن و به‌روز است. با این حال شما به سقف و سردرهای بازار بین چارسوق بزرگ چارسوق کوچک و بازار آهنگرها توجه کنید، حداقل ۱۰ سال است که نیمه‌کاره رها شده، بازری، و صاحب ملک که مسئول آن را نیست بلکه شهرداری است که عوامل آنها قرارداد بستند اما آن را اجرا نکردند. اگر تنگی معابر و سیم‌کشی فرسوده وجود دارد و آب لوله‌کشی دارای مشکل است و یا با معضل دیوی کالا در انبارها مواجه هستیم، همه اینها متولی دارد و آنها باید آن را سامان دهند.»

یکشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲

سال دوم، شماره ۴۲۳

www.hammihanonline.ir

▼ ۲ هزار افغانستانی سرگردان در بازار

از عبدالله اسفندیار می‌پرسم آیا هیئت امنای بازار درباره این مشکلات با شهرداری جلسه می‌گذارند؟ او جواب مثبت می‌دهد و می‌گوید: «ما در همه جلسات با آقایان شرکت می‌کنیم و نظرات و پیشنهادهای می‌دهیم اما هیچ قابلیت اجرایی از طرف ما وجود ندارد. حتی ما به آنها گفته‌ایم که در بازار تهران متجاوز از ۱۰ هزار چرخی وجود دارد که هم خطرات امنیتی دارد و هم خطرات ایمنی. یا هم‌اکنون حدود ۲ هزار افغانه در بازار وجود دارند که سرگردان هستند، اینها را چه کسی باید مدیریت کند؟ برای هیئت امنا که چنین امکانی وجود ندارد.»

او در پاسخ به این پرسش که چرا مسئولان را گرد هم نمی‌آورید تا با خرد جمعی مشکلات را حل کنید تا کار به انتقال بازار یا ساماندهی آن نرسد؟ و او در پاسخ می‌گوید: «در دو سال اخیر جلساتی با مسئولان در خصوص مسائل ایمنی و امنیتی بازار داشته‌ایم. مسئولان امر از جمله فرماندار و استاندار تهران تا حتی وزارت کشور و مسئولان سپاه ثارالله و مسئولان ایمنی و امنیتی در جلسات حضور دارند و نظرات خود را گفتند. به این موضوع دقت کنید که وقتی حدود ۲ هزار بساط‌گستر در بازار حضور پیدا می‌کنند باید این مشکل را خرد جمعی حل کرد و آنها را به جای دیگر منتقل کرد اما آیا برای آن مکانی آماده شده است؟ در مورد مشکلات سد معبر نیز مسئولان آن مشخص هستند البته وضعیت بساط‌گستری کاهش پیدا کرده اما کافی نیست.»

آیا این امکان وجود دارد که اصناف مختلف را در بازار تجمیع کرد؟ اسفندیار می‌گوید: «چنین امکانی وجود ندارد، به‌عنوان مثال صنف خرازی حدود سه هزار عضو در بازار دارد که پراکنده هستند. کدام امکان وجود دارد که بنده به‌عنوان رئیس اتحادیه خرازی‌ها بتوانم آنها را تجمیع کنم؟ اگر چه در گذشته این تفکر وجود داشته و می‌بینید که بازار فرش فروش‌ها و یا بازار کفاش‌ها و آهن‌فروش‌ها داشته‌ایم اما اینکه بخواهیم آنها را در قالب چند مرکز تقسیم‌بندی کنیم عملاً چنین بینشی وجود ندارد.»

این عضو هیئت امنای بازار در انتهای صحبت‌های خود می‌گوید حرف و خبر از انتقال و جابه‌جایی بازار زیاد است اما هیچ کس به یک نکته مهم اشاره نمی‌کند و آن «مالیات» است: «یکی از موقلاتی که درباره آن دغدغه داریم که البته فقط مختص بازار نیست و کل کشور یعنی حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد صنفی را شامل می‌شود، این است که با توجه به رکود و مشکلات اقتصادی که وجود دارد همه درگیر پرداخت مالیات هستند و تورم نیز مزید بر علت شده است. اخذ مالیات‌های سنگین از کسبه مقداری معقول به نظر نمی‌رسد و آنها از این موضوع گلایه‌مند هستند چون در طول سه سال کرونا همه همکاری‌ها را کردیم و اکنون از دولت توقع داریم با ما مساعدت داشته باشند.»

▼ داد دستفروش و پای کبود

بازار اما به مغازه‌ها و حجره‌هایش ختم نمی‌شود و در قدم‌زدن و گشتن در بازار است که می‌توان سردرهای قدیمی بازار را دید که نام چند حوزه علمیه و نزدیک به ۵۰ مسجد را بر روی کاشی‌های خود ثبت کرده‌اند که نشان می‌دهد فعالیت‌های جنبی بازار نیز هنوز زنده است و همچنان بازار تهران را باید حلقه وصل اقتصاد و مذهب دانست؛ مساجدی که صدای اذان‌شان بلند است اگر داد دستفروش‌ها بگذارد که شنیده شود.

کتاب «تهران تب‌آلود» به مکان‌هایی در تهران که با جنبش مشروطه سرخه گرده‌اند، پرداخته است، در این کتاب درباره بازار تهران و مساجد آن اینگونه نوشته شده است: «الغرض، به همان نسبت که مسجد شاه، مسجدی سلطنتی با ساختمانی پرطمطراق بود، مسجد جامع یا سادگی و وقار خود، عبادتگاهی محبوب و مردمی به‌شمار می‌آمد و با تحصن تیرماه ۱۲۸۵ شمسی مردمی‌تر شد. کشته‌شدن سید عبدالحمید، اگر چه طلبه‌ای گمنام بود، چنان مردم تهران و خصوصاً روحانیون و طلاب را تکان داد که دسته‌دسته از محله‌های مختلف به سوی مسجد جامع روانه شدند... روز پنجشنبه، ۱۹ تیرماه که دکان‌ها و سراهای بازار بسته شده و کسبه در مسجد جامع و اطراف آن جمع شده بودند، جمعیت بزاز یا همراهی طلاب و سادات، دسته‌ای راه انداختند و در حالی که سید را جلوی دسته حمل می‌کردند، سینه‌زنان و نوحه‌خوانان در فاصله میان مسجد جامع و چارسوق بزرگ بیش از سه، چهار متر عرض ندارند و بدون تردید در آن دوران نیز فراخ‌تر نبوده است.»

در کتاب آمده که عدد کسبه‌های بعد از این تجمع حداقل دوازده نفر بود اما این روزها در بازار و مسجد‌های آن، صدای گولوله که به‌ولسی جبار رزن عدسی‌فروش‌ها و خرده‌فروش‌ها شنیده می‌شود که نان روزانه خود را از کنار مغازه‌های میلیاردی بازار درمی‌آورند. همین است که وقتی صدای آخ فروشنده‌ای را که جلوی مغازه‌اش ایستاده را می‌شنوم به سمتش می‌روم، او در حالی که پای خود را گرفته بود، گفت: «همین چرخی‌ها پای من را نابود کرده‌اند؛ از بس با گاری پر از جنس خود به ما می‌زنند و در نهایت بیک‌بخشیدی می‌گویند و می‌روند، حرفی هم نمی‌شود زد، وقتی یک پسر ده-دوازده ساله شهروستانی برای یک لقمه نان باید یک گاری چندصدکیلویی را به زور بکشد، انصاف نیست به خاطر کبودی پای من از نان خوردن بیفتند.»

سال در حال پایان است و طرح انتقال بازار که از گوشه و کنار شهرداری و وزارت کشور و استانداری‌ها مدام به گوش می‌رسد، به پروژه‌ای بدون اجرا می‌ماند. وقتی به بافت پیچ در پیچ بازار و هزاران کسبه درهم‌تنیده و هزاران داستان ریز و درشت آن ورود می‌کنید، درمی‌یابید که در هیچ نقطه دیگری از شهر نمی‌توان بازار بزرگ را برپا کرد. مردم همچنان از کوچ‌رها و معابر تنگ بازار بزرگ خواهند گذشت، ساعت‌ها در آن قدم‌زده و خاطره‌بازی می‌کنند؛ حتی اگر پولی برای خرید نداشته باشند و پایشان کبود شود.

فعالان خصوصی



قیمت مرغ زنده کاهش شد

مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی کشور از تامین و عرضه مناسب نهاده‌های طیور در سامانه بازارگاه خبر داد و گفت: روند قیمت مرغ زنده و گوشت مرغ کاهش یافته است. به گزارش ایرنا، علی ابراهیمی عنوان کرد: اکنون هر کیلوگرم مرغ زنده بین ۵۵ تا ۵۹ هزار تومان خریداری می‌شود که همین امر موجب کاهش قیمت گوشت مرغ در بازار مصرف حدود ۸۰ تا ۸۵ هزار تومان شده است. او علت افزایش قیمت مرغ زنده و گوشت مرغ در ۱۰ روز گذشته را افزایش تقاضا، کمبود نهاده‌های طیور در بازارگاه و افزایش قیمت جوجه یکروزه و کاهش عرضه مرغ دانست و افزود: در مدت مذکور قیمت هر کیلوگرم مرغ زنده به‌طور موقتی به حدود ۷۰ هزار تومان رسیده بود که موجب افزایش قیمت گوشت مرغ در بازار شد. ابراهیمی همچنان قیمت جوجه یکروزه را بالا دانست و گفت: در حال حاضر به دلیل نزدیکی به شب عید، تقاضا برای جوجه یکروزه افزایش یافته بنابراین هر قطعه جوجه یکروزه وارداتی حدود ۱۹ هزار تومان و جوجه یکروزه تولید داخل بین ۲۸ تا ۳۰ هزار تومان و گاه بالاتر از این قیمت به فروش می‌رسد که این رقم در قیمت تمام‌شده گوشت مرغ تاثیر دارد.

▲▲



معامله خرید خانه اول نداریم

در بازار مسکن هیچ معامله‌ای برای خانه اولی‌ها انجام نمی‌شود یا تعداد معاملات بسیار اندک و جزئی است. به گزارش ایلنا، سعید لطفی، دبیر اتحادیه مشاوران املاک، گفت: همین میزان معاملات محدود نیز درباره معاملات تبدیل به احسن یا تهاتر است یعنی کسانی که دارایی از قبل داشتند می‌توانند با تهاتر یا فروش آن وارد معامله دیگری شوند و معامله خرید مسکن اول و خانه اولی نداریم. او با بیان اینکه رکود کامل در بازار مسکن حاکم است، عنوان کرد: در حالی که در سال‌های گذشته در ماه‌های پایانی سال خرید و فروش مسکن افزایش پیدا می‌کرد اما حالا که حدود دو ماه مانده به پایان سال خرید و فروشی نداریم. نرخ دلار تقریباً ثابت مانده و طبق گزارش دولت هم که نرخ مسکن از تیرماه رو به کاهش است بنابراین چرا بازار مسکن باید راکد بماند؟ موضوع این است که اگر بپذیریم قیمت مسکن کاهش هم پیدا کرده اما طبق گزارش رسمی منتشرشده متوسط قیمت هر مترمربع مسکن در تهران بیش از ۲۴ میلیون تومان است آیا با این قیمت‌ها مردم توان خرید دارند؟

▲▲



افزایش قیمت مصالح ساختمانی

ما کماکان تورم را در بازار مسکن داریم کم‌انکه در ۱۰، ۱۵ روز گذشته مصالح ساختمانی با افزایش قیمت مواجه شدند. به گزارش خبرآنلاین، فریضد پور حاجت، دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان با پیش‌بینی وضعیت بازار مسکن، گفت: شاید بخشی از این موضوع به‌مسائلی که در رابطه با گاز وجود دارد، برمی‌گردد. دو نهاده سیمان و فولاد، امروز تقریباً به یک نقطه ثبات قیمتی رسیدند؛ هر چند که امروز بحث افزایش هزینه‌های باربری را هم داریم. مسکن هم یک کالای کاملاً تولیدی است و نهاده‌های تولید، تاثیر مستقیمی روی افزایش قیمت می‌گذارد. او افزود: در کشوری که به‌راحتی اعلام می‌کنیم ۴۰ درصد تورم در کشور وجود دارد، به‌طور قطع این ۴۰ درصد تورم تاثیر خود را روی تمام بازارها می‌گذارد؛ کم‌این که در سال آینده هم تورم در اقتصاد ما بازیگر اصلی است و متأسفانه اقداماتی هم که تا به امروز انجام شده، منتج به کاهش تورم نشده است و با اساساً اگر کاهش هم صورت گرفته، چشم‌گیر نبوده است.